

خیلواکی

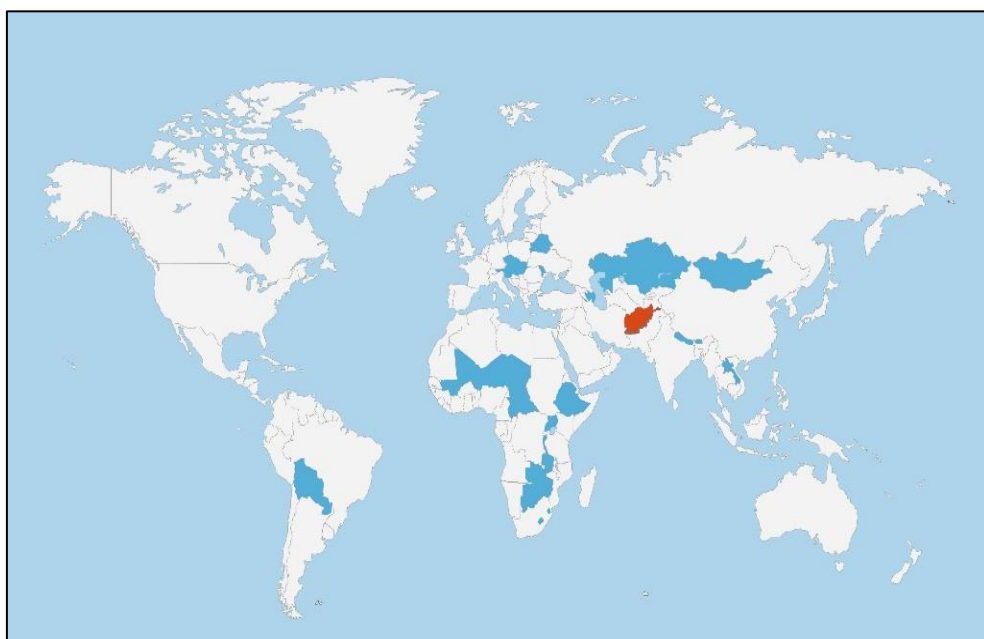


استقلال

۲۱ می، ۲۰۲۶

داکتر ضیاء نظام

حقوق کشورهای محاط در خشکه در حقوق بین الملل قسمت بیست و نهم



نتیجه،

در احوال و اوضاع فعلی جهان بیشتر از زمان گذشته، تجارت بین المللی یکی از عوامل عمده و مهم توسعه و انکشاف اقتصادی به حساب می آید، طوری که تجارت به مثابه ماشین و محرکه توسعه کشورها در جهان شمرده می شود. به عبارت دیگر بین تجارت بین المللی و انکشاف اقتصادی ارتباط مستقیم بوده و بهترین طریقه، به مقصد رشد تولیدات یک کشور، همانا بهره مندی از تجارت خارجی است که تأثیرات نهایت مثبت در جهت انکشاف اقتصاد، توسعه و رشد آن می داشته باشد.

باید متذکر شد که از قدیم الایام ابحار بهترین راه و وسیله مرافقه در عرصه تجارت بین المللی شناخته شده است. دسترسی به بحر در تجارت خارجی یک کشور نقش کلیدی را ایفاء می کند، زیرا ترانسپورت ارزانتر از طریق ابحار امکان پذیر است. لذا داشتن سواحل بحری برای یک

کشور از لحاظ سیاسی و اقتصادی دارای ارزش فراوان می باشد.

در طول تاریخ به خصوص در قرن ۲۰ کشورهای محاط در خشکه تلاش ها و مساعی زیادی به عمل آوردند تا مشکلات شان را از نگاه حقوقی با ممالک ترانزیت ساحلی به نحو ممکن حل کنند. این موضوع عمدتاً در شروع قرن ۲۰ به صورت صریح در سطح جهانی مطرح شد، چنانچه در کنوانسیون ۱۹۲۱م بارسلونا تا حدود زیادی مدنظر قرار داده شد.

اما مهمترین گام در این راستا در کنفرانس اول حقوق بحر در سال ۱۹۵۸م برداشته شد. ماده ۳ کنوانسیون راجع به بحر آزاد در ارتباط به حقوق کشورهای محاط در خشکه اختصاص یافته است.

برعلاوه در این کنوانسیون بحر آزاد، کنوانسیون های دیگر ۱۹۵۸م ژینو/جینوا احکامی وجود دارد که به ممالک محاط در خشکه حق می دهد تا از مزایا و منابع بحری مستفید و بهره مند شوند. بعداً در اثر کوشش و تلاش کشورهای محاط در خشکه در سال ۱۹۶۵م کنوانسیون تجارت ترانزیتی ممالک محاط در خشکه در نیویارک به تصویب رسید. برای اولین بار چنین سندی مختص به ترانسپورت و ترانزیت کشورهای محاط در خشک بود، و این امر یک گام مهم در جهت تحقق خواسته های این ممالک به شمار می رود.

بالاخره کنوانسیون عمده و مهم سال ۱۹۸۲م یعنی کنوانسیون حقوق بحر که آن را به نام قانون اساسی ابحار شناخته اند، مخصوصاً بخش دهم آن تحت عنوان «حق دسترسی کشورهای محاط در خشکه به و از بحر و آزادی عبور ترانزیتی» می باشد، و تمام مواد این بخش به حقوق این کشورها اختصاص یافته است، و برای اولین بار در یک سند مهم حقوق بین المللی عبارت «حق دسترسی» ذکر گردیده است.

در گذشته همیش در اسناد بین المللی از اصطلاحات دیگر مثل آزادی دسترسی و امثال آن استفاده می شد، اما گنجاندن کلمه «حق» برای ممالک ترانزیت یک مکلفیت را به وجود آورده، معنی آن را می رساند که ممالک محاط در خشکه نظر به موقعیت های جغرافیایی شان حق آن را دارند که به بحر دسترسی داشته باشند، چه برای ترانزیت و چه جهت استفاده از منابع ابحار حایز چنین حقی می باشند.

در این مورد نمی توان در مقابل اعطای این حق برای کشورهای محاط در خشکه از آن ها کدام امتیاز دیگر یا رویه بالمثل را تقاضا کرد، چنانچه در ماده ۱۲۵ کنوانسیون به صراحت توضیح شده دلیل واگذاری این حق برای ممالک محاط در خشکه در همین ماده تذکر یافته که برای اعمال حقوق مقرر در کنوانسیون که به آزادی ابحار آزاد و میراث مشترک بشریت مربوط می شود، کشورهای محاط در خشکه حق دسترسی به و از بحر را دارند. به این منظور این ممالک از آزادی عبور ترانزیتی در قلمرو کشورهای ترانزیت با هر نوع وسیله حمل و نقل برخوردار می باشند.

در این ماده ۲ اصل عمده حقوق بین الملل یعنی آزادی بحر آزاد و میراث مشترک منابع اعماق ابحار اساس حق دسترسی به بحر و از بحر قرار داده شده است. اصل آزادی بحر آزاد به معنی عدم حاکمیت دولت ها در بحر آزاد است، چنانچه ماده ۸۲ کنوانسیون ۱۹۸۲م تصریح کرده است:

«هیچ دولت نمی تواند به طور مشروع مدعی حاکمیت بر بخشی از بحر آزاد گردد.» یعنی بحر آزاد برای استفاده همه دولت ها چه ساحلی و چه غیر ساحلی باز می باشد (ماده ۸۷). که این آزادی عمدتاً شامل آزادی کشتی رانی و ماهی گیری برای همه کشورها می شود، به این مفهوم که بحر آزاد به روی همه دولت ها به شمول ممالک محاط در خشکه باز است.

بنابر آن، کشورهای محاط در خشکه باید جهت استفاده و اعمال حق خویش از کشور ترانزیت

ساحلی عبور نموده و به این وسیله از آزادی بحر آزاد مستفید گردند، و به همین جهت کنوانسیون حقوق بحر، ترانزیت کشورهای محاط در خشکه را از قلمرو مملکت ترانزیت که بین این کشور و بحر موقعیت دارد، یک حق دانسته، ممانعت از آن تخطی از حقوق بین الملل شناخته می شود.

شناسایی منابع بستر اعماق ابحار (منطقه) به حیث میراث مشترک بشریت در کنوانسیون ۱۹۸۲م که قبلاً بررسی شده، یک دست آورد بسیار مهم در تدوین و انکشاف حقوق بین الملل است، که در راستای تحقق اصول عدالت، همبستگی و مساوات میان دولت ها و تأمین نظم نوین اقتصادی اثرات فوق العاده مؤثری دارد.

طی نیم قرن گذشته، یک جریان بزرگ با پشتیبانی اکثریت اعضای جامعه بین المللی عمدتاً ممالک رو به انکشاف جهت اعمال این اصل مهم «میراث مشترک بشریت» در عرصه های مختلف صرف مساعی و تلاش های ممکن به عمل آمد، تا بالاخره موفق شدند که این اصل را در اسناد مهم بین المللی مانند معاهده ۱۹۶۹م فضای ماورای جو، کنوانسیون های یونسکو برای حفاظت از میراث فرهنگی زیر ابحار (۲۰۰۵م) و تنوع فرهنگی و خاصتاً کنوانسیون ۱۹۸۲م حقوق ابحار درج نمایند.

ماده ۱۳۶ کنوانسیون حقوق بحر اعلام می دارد که «منطقه^۱ و منابع آن میراث مشترک بشریت است.» و در ماده بعدی آمده است: «همه حقوق مربوط به منابع منطقه به تمام بشریت تعلق دارد.» در ماده ۱۴۱ علاوه شده که منطقه جهت استفاده صلح آمیز توسط تمام کشورها اعم از ساحلی یا محاط در خشکه، بدون تبعیض و بدون خدشه به سایر مقررات کنوانسیون باز خواهد بود.

ماده ۱۴۸ در مورد مشارکت مؤثر ممالک در حال توسعه در فعالیت های منطقه مخصوصاً کشورهای محاط در خشک متذکر می شود که توجه لازم به عمل خواهد آمد تا بر موانع ناشی از محرومیت های جغرافیایی شان، اعم از دور بودن از منطقه و مشکلات دسترسی به و از منطقه نایل آیند. این همه مقررات نشان دهنده آن است که کشورهای محاط در خشکه مانند ممالک ساحلی حق استفاده از منابع منطقه و حق دسترسی آزاد به منطقه را دارا می باشند.

به عبارت دیگر کشورهای محاط در خشکه در کنار استفاده از آزادی ابحار آزاد، یکسان با کشورهای ساحلی حق دسترسی و استفاده از منابع بستر اعماق ابحار (منطقه) یعنی میراث مشترک بشریت را حایز می باشند.

به اساس این دو اصل یعنی استفاده از آزادی ابحار آزاد و میراث مشترک بشریت، ممالک محاط در خشکه نیز حق دسترسی به و از بحر را دارا می باشند، و به همین جهت کنوانسیون حقوق بحر دسترسی این کشورها را به بحر یک حق دانسته است، که با در نظر داشت این حق در مورد موضوعات عملی دیگر باید با ممالک ترانزیت موافقتنامه های جداگانه عقد گردد، یعنی کشورهای ترانزیت مکلف اند تا زمینه های دسترسی ممالک محاط در خشکه را به و از بحر مهیا ساخته و در مورد سایر فروعات موضوع و تسهیلات لازم به مقصد تحقق این حق، موافقتنامه ها عقد گردد.

البته این حق با موضوع ترانزیت دو کشور ساحلی یا کشور محاط در خشکه با آن کشوری که میان این کشور و بحر واقع نیست، تفاوت دارد.

^۱ - تعریف منطقه قبلاً ارائه شده که بر وفق ماده ۱ بند ۱ «منطقه یعنی بستر و کف اوقیانوس و زیر آن ها خارج از محدوده و مناطق تحت حاکمیت و صلاحیت ملی کشورها قرار دارد.»

ضمائم:

- ۱- کنوانسیون حقوق بحر- بخش دهم ،
- ۲- کنوانسیون نیویارک ۱۹۶۵م،
- ۳- ماده سوم کنوانسیون بحر آزاد ژینو/جینوا ۱۹۵۸م،
- ۴- موافقتنامه چهارچوب ترانسپورت ترانزیتی ایکو ۹ می ۱۹۹۸م.